

نگاهی به مدرنیته در ایران از دریچه روابط شخصی؛

ارزیابی مفهوم «رابطه ناب» گیدنز

حمیدرضا جلائی پور (دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران؛ نویسنده مسؤول)

jalaeipor@ut.ac.ir

محمد گرامیان نیک (کارشناس ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران)

mohammadgeramain@gmail.com

چکیده

در این مقاله مفهوم «رابطه ناب» گیدنز در مدرنیته متاخر مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. از نگاه او رابطه ناب، رابطه‌ای برابر است که برای نفس رابطه برقرار می‌شود و از قید هر گونه معیار و ضابطه‌ای خارج از نفس ارتباط آزاد است. از نظر او هر چه جامعه پسااستنتی توسعه بیشتری می‌یابد روابط شخصی افراد به سمت این نوع رابطه حرکت می‌کند. همگام با گسترش و ریشه دواندن مدرنیته و گسترش نظام‌های اداری-تخصصی و فراگیری روند بازاریابی (یا وجه تأمل‌گرایانه کنشگران) در زندگی مردم، و با تغییرات مداوم ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و سبک‌های زندگی، روابط شخصی نیز تغییر می‌کند و صمیمیت و رضایت عاطفی به جای عوامل بیرونی می‌نشیند و محور روابط می‌شود، اعتماد انتزاعی وابسته به نظام‌های تخصصی و اعتماد متقابل بین شخصی با محوریت صمیمیت جایگزین قواعد از پیش تعیین شده و جاافتاده می‌گردد. در این بررسی مفهوم رابطه ناب در موقعیت ازدواج و با شاخص‌های نگرش‌های جنسیتی، شیوه همسرگزینی، کارهای خانه، صمیمیت و عوامل بیرونی (اقتصادی - اجتماعی) سنجیده شده است. متغیرهای مستقل این بررسی عبارتند از: اعتماد بنیادین، اعتماد انتزاعی، اعتماد متقابل بین شخصی، مصرف رسانه‌ای و احساس امنیت. متغیرهای جنس، سن، تحصیلات و پایگاه اقتصادی - اجتماعی، متغیرهای زمینه‌ای این تحقیق هستند. در این پژوهش از روش پیمایش استفاده شده است و جوانان مابین ۱۸ تا ۳۵ سال شاغل و متاهل جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهند. با توجه به این‌که حدود ۲/۴ درصد از پاسخگویان در طبقه

«خیلی زیاد» و ۴۱/۵ درصد نیز در طبقه «زیاد» متغیر اصلی این پژوهش قرار گرفته‌اند، می‌توان گفت که در ایران شاهد تغییر محسوس روابط شخصی و افزایش اهمیت رابطه ناب هستیم.

کلیدواژه ها: رابطه ناب، مدرنیته متاخر، اعتماد انتزاعی، اعتماد متقابل بین شخصی، اعتماد بنیادین.

مقدمه

تحولات تاریخی و دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی رخ داده در جوامع، شیوه زیست و زندگی مردمان را دچار تغییرات فراگیری کرده است. جامعه‌شناسان در بررسی این تغییرات به علل و پیامدهای متنوعی توجه کرده و برای آن‌ها مفهوم‌سازی کرده‌اند. به عنوان نمونه در میان آراء بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی می‌توان از نظریه اجتماع مکانیکی و جامعه ارگانیکی دورکیم، و نظریه گزلفافت و گمیشافت تونیس نام برد. آنتونی گیدنز (۱۳۸۵) جامعه‌شناس شهیر انگلیسی نیز در بررسی تحولات سه قرن اخیر بعد از صنعتی شدن، به توصیف و تبیین تحولات دنیای مدرن و مدرنیته می‌پردازد و چند دهه اخیر را به دلیل گسترش روز افزون نظام‌های تخصصی و بازاندیشی، مدرنیته متاخر نام می‌نهد. او با بیان عناصر و ویژگی‌های مدرنیته، پیامدهایی را برای فرآیندهای مدرن ذکر می‌کند. از نگاه او مدرنیته و دگرگونی‌های جهانی فقط مربوط به تغییرات بزرگ در نهادهای بزرگ نیست، بلکه این تغییرات، عواطف و زندگی خصوصی افراد را نیز در بر می‌گیرد و «دنیای متجدد به طرز عمیقی در قلب هویت و احساسات شخصی نیز نفوذ می‌کند...» [و] حوزه‌ای که امروزه با اصطلاح "روابط شخصی" از آن یاد می‌کنیم، فرصت‌هایی برای ابراز صمیمیت و بیان خویشتن در اختیار ما می‌نهد که در بافت اجتماعی بسیاری از جوامع سنتی وجود ندارد. (گیدنز، ۱۳۸۵: ۳۰). از نگاه او مدرنیته موجبات "تغییر شکل صمیمیت"، و شکل جدیدی از روابط شخصی و دوستی را فراهم آورده است، به نحوی که می‌گوید: «در حوزه زندگی شخصی، هر چه جامعه پاساستی توسعه بیشتری می‌یابد، حرکت به سوی آنچه که می‌توان آن را رابطه ناب در روابط

جنسی، زناشویی و خانواده نامید، سرعت بیشتری می‌گیرد» (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۸۹). او رابطه ناب را نوعی رابطه اجتماعی برابر و خودمرجع می‌داند که منحصرآ وابسته به احساس رضایت یا پاداش مشخصی است که از خود همان رابطه حاصل می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۵: ۳۲۵). از نظر گیدنز واحد تحلیل مدرنیته یا زندگی جدید دیگر دولت-ملت‌ها یا جوامعی که در کشورهای رایج می‌شناسیم نیست، بلکه کل جهان است. از این رو طبق نظر او باید شاهد تغییرات در «روابط شخصی» در ایران هم باشیم، که در این پژوهش به بررسی آن پرداخته‌ایم.

با این همه موضوع این تحقیق تمام قلمرو جامعه ایران نیست بلکه شهر تهران است که بنا بر فرض تحقیق بیش از سایر نقاط ایران در معرض مدرنیته و امواج زندگی امروزی قرار دارد. با بررسی روابط شخصی جوانان شهر تهران که بیشتر در معرض تغییرات اجتماعی بوده‌اند، سعی می‌شود کارایی مفهوم «رابطه ناب» گیدنز در مدرنیته متاخر برای مطالعه تغییرات روابط شخصی در ایران مورد ارزیابی قرار گیرد.

شهر تهران شاهد تغییرات فراوانی از جمله افزایش شهرنشینی، شکل‌گیری سازمان‌ها و نظام‌های تخصصی، نهادهای آموزشی، افزایش وسایل ارتباط جمعی (مطبوعات، رادیو و تلویزیون) و وسایل ارتباطی (موبایل و اینترنت)، افزایش سواد و تحصیلات جوانان (خصوصاً دختران)، افزایش تعداد افراد تحصیل‌کرده، افزایش ارتباط‌ها و تعاملات اجتماعی جوانان، بالا رفتن سن ازدواج و افزایش درصد و میزان طلاق، تغییر سبک زندگی جوانان و گسترش جمعیت جوانان تحصیل‌کرده بوده است. جوانان به عنوان افرادی که به واسطه اطلاعات و ارتباطات و مهارت‌ها و سبک زندگی‌شان بیشترین مواجهه را با فرایندهای مدرنیته و جهانی شدن دارند، طبق اکثر تحقیقات صورت‌گرفته دارای نگرش‌های غیرسستی‌تر نسبت به افراد مسن‌تر هستند (ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۲)، این پژوهش‌ها به روشنی نشان می‌دهند که «نسل جدید سامان جدیدی برای زندگی خانوادگی و ازدواج و همسرگزینی دارد که با نسل قدیم متفاوت است» (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۱۲۳). سؤال این جستار این است: آیا با توجه به تغییرات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی رخ داده در جامعه، می‌توان روابط شخصی را بر اساس مفهوم رابطه ناب گیدنز ردیابی، شناسایی، تبیین و تحلیل کرد؟

چارچوب نظری

آنتونی گیدنز مدرنیته را به شیوه‌هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی مربوط می‌داند که از قرن هفدهم به بعد در میان مردم اروپا تجربه شده و به تدریج نفوذی کم و بیش جهانی پیدا کرده است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۴)، و آنرا در اصل و اساس نوعی نظم اجتماعی نوین پس از جوامع پیشامدرن و نظام‌های سنتی می‌داند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۴۰). او دوره مدرن را شامل دو دوره‌ی اولیه و متاخر می‌داند که در مدرنیته متاخر پیامدهای مدرنیته ریشه‌ای‌تر و جهانی‌تر از پیش شده‌اند. مدرنیته متاخر با فرایندهای «جهانی‌شدن»، «سنت‌زدایی» و «بازاندیشی اجتماعی» همبسته است. گیدنز عصر جدید را مدرنیته بازتابی/بازاندیشانه نیز نام می‌دهد که با درجه بالایی از بازاندیشی اجتماعی توصیف می‌شود چراکه شرایط زندگی در جوامع جدید به نحو فزاینده‌ای محصول کنش‌های خود افراد است، و متقابلاً، کنش‌های آن‌ها به نحو فزاینده‌ای معطوف به مدیریت یا چالش با خطرات و فرصت‌هایی است که خود خلق کرده‌اند. این شرایط بیشتر از آن‌که با مدل‌های رفتار و سلوک از پیش تعیین شده، عاداتی و سنتی ساخته شده باشد، به طور روز افزون با «اطلاعات» ایجاد می‌شود.

گیدنز، در بحث از مدرنیته انقطاع‌هایی را تشخیص می‌دهد که نهادهای اجتماعی مدرن را از سامان‌های سنتی جدا می‌سازد. او برای تبیین شتاب تغییرات و وسعت جهانی نهادهای مدرن و ماهیت این انقطاع‌ها به سه مؤلفه مهم اشاره می‌کند: «جدایی زمان و مکان»، «مکانیسم‌های ازجاکنندگی» و «بازاندیشی». این مؤلفه‌ها هم به ماهیت پویای نهادهای مدرن و هم به خصلت جهان شمول آن‌ها مرتبط است.

گیدنز ابتدا جدایی زمان و مکان را با دو مفهوم «تهی شدن زمان» و «تهی شدن مکان» توضیح می‌دهد. از دید او در جوامع پیشامدرن همیشه زمان با مکان در ارتباط بود و تعیین دقیق زمان ناممکن بود، اما با اختراع ساعت مکانیکی زمان معیار اندازه‌گیری مستقلی پیدا می‌کند و پیوند زمان با مکان گسسته می‌شود. در پی تهی شدن زمان، تهی شدن مکان هم رخ می‌دهد. «مکان تهی» را بر حسب جدایی مکان از محل می‌توان فهمید. در جوامع سنتی مکان بیشتر با تصور جایگاه و حضور فیزیکی معنا می‌یابد. با پیدایش مدرنیته آرام آرام ارتباط افراد با

یکدیگر مستقل از محل و حضور فیزیکی رخ می‌دهد و روابط میان دیگران "غایب" تقویت می‌شد. از این رو مکان بیش از پیش از محل جدا شد و دیگران از جهت محلی از موقعیت ارتباط چهره به چهره دور شده‌اند.

بنا به تعریف او «از جا کنندگی» «کنده شدن» روابط اجتماعی از محیط‌های محلی هم‌کنش و تجدید ساختار این محیط در راستای پهنه‌های نامحدود زمانی- مکانی است» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۶). دو نوع مکانیسم از جاکننده در تغییر نهادهای اجتماعی مدرن نقش تعیین‌کننده دارند، یکی «نشانه‌های نمادین» و دیگری «نظام‌های تخصصی» که در مجموع آن‌ها را «نظام‌های انتزاعی» می‌نامد. منظور گیدنز از نظام‌های تخصصی نظام‌های انجام کار فنی یا دارای مهارت تخصصی است که حوزه‌های وسیعی از محیط‌های مادی و اجتماعی زندگی کنونی ما را سازمان می‌دهند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۳۳). از نگاه گیدنز نظام‌های تخصصی و نشانه‌های نمادین روابط اجتماعی را از فوریت‌های محیط جدا می‌سازند و با فراهم کردن «تضمین‌ها» چشم-داشت‌ها در پهنه زمانی- مکانی فاصله‌دار، عمل از جاکنندگی را انجام می‌دهد (گیدنز، ۱۳۸۴: ۳۵).

سومین ویژگی پویایی مدرنیته، تخصیص بازاندیشانه دانش است. از دیدگاه او بازاندیشی در دوره مدرن وارد مبنای بازتولید نظام می‌شود، به نحوی که می‌گوید: «تولید دانش نظام‌مند درباره زندگی اجتماعی، به بخش جدایی‌ناپذیر بازتولید نظام تبدیل می‌شود و زندگی اجتماعی را از قطعیت‌های سنت رها می‌سازد» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۶۴). از نظر وی در شرایط مدرنیته با توجه به فاصله‌گیری زمانی- مکانی، نظام‌های انتزاعی و بازاندیشی، اعتماد از جایگاه مهم و بنیادی‌ای برخوردار است. او ضمن تحلیل الگوی اعتماد در فرهنگ‌های مدرن و پیشامدرن، اعتماد را در سه سطح بنیادی، شخصی و انتزاعی بررسی می‌کند. در سطح اعتماد و روابط شخصی به بحث دوستی در دوره مدرن اشاره دارد و تاکید می‌کند «میان گرایش‌های جهانی مدرنیته و آنچه تبدیل شکل صمیمیت نامیده‌ام، پیوند مستقیم (و نیز دیالکتیکی) وجود دارد و تبدیل شکل صمیمیت را طبق مکانیسم‌های اعتماد می‌توان تحلیل کرد» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۳۶).

گیدنز اعتماد را به عنوان اطمینان به اعتمادپذیری یک شخص یا نظام، با توجه به یک رشته پیامدها یا رویدادهای معین تعریف می‌کند، در آنجا که این اطمینان نشانگر ایمان به صداقت یا عشق به دیگری و یا صحت اصول انتزاعی (دانش فنی) باشد (گیدنز، ۱۳۸۴: ۴۲). از نگاه او اعتماد به غیبت در زمان و مکان ارتباط دارد. زیرا اعتماد به کسانی که حضور دارند و تمام فعالیت‌هایشان در معرض دید است و همچنین اعتماد به نظامی که عملکردهایش شناخته و فهمیده شده است، معنا و ضرورتی ندارد. همچنین از نگاه گیدنز اعتماد با مفهوم زمان و مکان و آینده نیز مربوط است و همین ویژگی است که این مفهوم را با دنیای مدرن ارتباط می‌دهد. از نظر او اعتماد و ریسک، شیوه‌های سازماندهی زمان آینده هستند، زیرا اعتماد یعنی ضمان و تعهد دادن به شخص، گروه، یا نظام در طول زمان آینده.

از نظر گیدنز اعتماد دارای وجهی روانشناختی نیز هست. او از این منظر «اعتماد بنیادین» را که اعتماد به دنیای عینی و ملموس و همچنین اعتماد به همیشگی بودن دیگران است و از تجربیات نخستین مراحل کودکی سرچشمه می‌گیرد، شرح می‌دهد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۳۲۳). اعتماد بنیادین همانند پله‌ای حمایتی، شخص را در ارتباط با خطرهای احتمالی یا واقعی ناشی از کنش‌ها و واکنش‌های متقابل یاری می‌دهد و نوعی احساس تداوم و نظم در رویدادها، حتی آن‌هایی که به طور مستقیم در حوزه ادراک شخص قرار ندارند یا امنیت وجودی را در فرد ایجاد می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۳۲۳).

گیدنز زمینه‌ها و محیط‌های اعتماد و مخاطره را در فرهنگ‌های پیشامدرن و مدرن متفاوت می‌داند. از نظر وی اعتماد در نظام‌های ماقبل مدرن بر پایه پایبندی‌های چهره به چهره و مبتنی بر «هم‌حضور» است. او زمینه عمومی اعتماد در فرهنگ‌های پیشامدرن را اهمیت شدید اعتماد محلی می‌داند و بر این اساس چهار محیط اعتماد در آن سامان‌ها را نظام خویشاوندی، اجتماع محلی، جهان‌بینی مذهبی و سنت بیان می‌کند. به باور گیدنز در شرایط مدرن زمینه و محیط‌های اعتماد مذکور یا از بین رفته و یا بسیار تحلیل رفته‌اند. او تأکید می‌کند؛ «فعالیت‌های بشری همچنان دارای موقعیت و زمینه‌اند. اما در این شرایط، تأثیر سه نیروی بزرگ و پویای مدرنیت، یعنی «جدایی زمان و مکان»، «مکانیسم‌های ازجاکنندگی» و «بازاندیشی نهادی»، برخی

از صورت‌های بنیادی روابط اعتمادآمیز را از صفات محیط‌های محلی مجزا می‌سازد.» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۲۹)، بنابراین از نگاه وی، «هر چند روابط خانوادگی به ویژه در قالب خانواده هسته‌ای، برای اکثریت مردم هنوز اهمیت دارد، اما دیگر خانواده حاملان پیوندهای اجتماعی بسیار سازمان‌یافته در پهنه زمانی-مکانی به شمار نمی‌آیند.» (همان، ۱۲۹). با توجه به مکانیسم‌های ازجاکنندگی و فاصله‌گیری زمانی-مکانی، اولویت مکان از بین رفته است و مکان خصلتی توهمی یافته است، زیرا ساختارهایی که مکان به وسیله آن‌ها ساخته می‌شود، دیگر به گونه‌ای محلی سازمان داده نمی‌شوند (همان، ۱۲۹).

از این جهت گیدنز مبنای دیگری را برای روابط اعتماد در شرایط مدرن در نظر می‌گیرد. او زمینه عمومی در این شرایط را روابط اعتماد مبتنی بر نظام‌های انتزاعی از جاکننده می‌داند، و از سه محیط اعتمادآمیز نام می‌برد؛ «اول؛ روابط شخصی دوستی یا صمیمیت جنسی به عنوان وسیله تثبیت پیوندهای اجتماعی، دوم؛ نظام‌های انتزاعی به عنوان وسیله تثبیت روابط در راستای پهنه‌های نامشخص زمانی-مکانی و سوم؛ اندیشه ضدواقعی و آینده‌گرایانه به عنوان شیوه ارتباط گذشته و حال» (همان، ۱۲۳). وجه اعتماد در این شرایط پایبندی‌های بدون روابط چهره به چهره است که به رشد اعتقاد به نشانه‌های نمادین یا نظام‌های تخصصی که در مجموع نظام‌های انتزاعی نامیده می‌شوند، مربوط می‌شوند (همان، ۹۵). در ضمن از نگاه گیدنز اعتماد به نظام‌های تخصصی دارای چنان اهمیت و ضرورتی است که ماهیت نهادهای مدرن را به مکانیسم‌های اعتماد به این نظام‌ها عمیقاً وابسته می‌داند.

بنابراین از دیدگاه گیدنز روابط اجتماعی وابسته به مکان، پیوندهای خویشاوندی، روابط شخصی صمیمانه میان همگنان (دوستی) و روابط جنسی، از عناصری هستند که باید تاثیر مدرنیته را بر هر کدام بررسی کرد. با توجه به بحث زمینه‌های اعتماد در فرهنگ‌های سنتی و تحلیل آن‌ها در شرایط مدرن به واسطه فاصله‌گیری زمان-مکان، ازجاکنندگی و گسترش نظام‌های انتزاعی، همان‌طور که بیان گردید، مکان خصلتی مجازی یافته است و روابط اجتماعی و پیوندهای اجتماعی از وابستگی به مکان رها شده‌اند. «در واقع از جهت پیوند جای‌گیر در مکان بیشتر «اجتماع» نابود شده است» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۴۰).

به باور گیدنز، در دوران جدید پیوندهای خویشاوندی نیز تحلیل رفته است و «این که انواع خاصی از پیوندهای خانوادگی در برخی از محیط‌های جوامع مدرن نیرومند باقی مانده‌اند، نمی‌تواند به معنای این باشد که خویشاوندی هنوز همان نقشی را که زمانی در تنظیم زندگی روزانه اکثریت مردم بازی می‌کرد ایفا می‌کند.» (همان، ۱۴۰). مکان و پیوندهای خویشاوندی که در شرایط مدرنیته تحلیل رفته‌اند دیگر نمی‌توانند به میزان گذشته زمینه اعتماد و روابط صمیمانه را فراهم کنند. گیدنز ضمن تاکید بر تغییرات و ویژگی‌های دوستی در شرایط مدرن تصریح می‌کند «در محیط‌های پیشامدرن، اعتماد بنیادی در روابط اعتمادآمیز شخصی در اجتماع، پیوندهای خانوادگی و دوستی‌ها جای دارد. گرچه هر یک از این پیوندهای اجتماعی می‌تواند در برگرفته‌ی صمیمیت عاطفی باشد، این صمیمیت شرط بقای اعتماد شخصی نیست. پیوندهای شخصی نهادمند و اصول غیر رسمی صداقت و شرافت چهارچوب‌های اعتماد را فراهم می‌سازند.» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۴۲). در حالی که در مدرنیته وضعیت اعتماد از وابستگی به مکان و روابط خویشاوندی رها و منوط به صمیمیت می‌شود و «اعتماد در یک سطح شخصی، تبدیل به طرحی می‌شود که طرفین باید روی آن «کار کنند» و مستلزم باز بودن فرد به روی دیگران است.

امروز دیگر نمی‌توان اعتماد را با اصول ثابت هنجاریبخش در اختیار داشت، بلکه باید آن را به زحمت جلب کرد و وسیله این کار، نشان دادن محبت و سعه صدر است. علاقه خاص ما به داشتن «روابط» به همان معنایی که امروزه مورد نظر است، بیانگر همین پدیده است. این روابط همان پیوندهای مبتنی بر اعتمادند، جایی که اعتماد امری از پیش تعیین شده نیست بلکه باید روی آن کار کرد و این کار به معنای فراگرد متقابل "خودواگشایی" است» (همان، ۱۴۴ و ۱۴۵).

بدین شکل به تدریج مبنای اعتماد در روابط شخصی، از «اجتماع محلی» و «پیوندهای خویشاوندی» به «صمیمیت» و «خودواگشایی» تغییر جهت می‌دهد، و امری می‌شود که طرفین باید برای به دست آوردن آن تلاش نمایند. از این جهت گیدنز گذار به صورت‌های مدرن روابط هم‌آغوشانه را با شکل‌گیری عشق رمانتیک یا "فردیت محبت‌آمیز" پیوند می‌دهد و

مجموعه عشق رمانتیک را با پویایی‌های اعتماد شخصی در هم تنیده می‌داند (همان، ۱۴۵ و ۱۴۶). وی تأکید می‌کند «روابط هماغوشی بیش از پیش مستلزم کشف متقابل است که طی آن، فراگرد تحقق نفس عاشق به همان اندازه صمیمیت روز افزون با معشوق بخشی از تجربه این رابطه را تشکیل می‌دهد. بدین‌سان، اعتماد شخصی باید از طریق خودکاوی برقرار گردد؛ بنابراین، کشف خود هر شخص تبدیل به طرحی می‌شود که ارتباط مستقیم با بازناندیشی مدرنیته دارد» (همان، ۱۴۶). بدین صورت، روابط شخصی و اعتماد درون این روابط در دوران مدرن به واسطه صمیمیت و فرایند خودواگشایی با اعتماد بنیادین ارتباط پیدا می‌کند و «کشش به سوی تحقق نفس مبتنی بر اعتماد بنیادی است و این اعتماد تنها با باز بودن خود به روی دیگران می‌تواند در زمینه‌های شخصی برقرار گردد» (همان، ۱۴۸).

گیدنز با توجه به گسترش نظام‌های انتزاعی و اعتماد به اصول غیرشخصی در زندگی اجتماعی و این واقعیت که روابط غیرشخصی بیش از پیش روابط شخصی را به تحلیل برده‌اند، معتقد است روابط شخصی نیز مانند نهادهای فراگیر فاصله‌گیری زمانی- مکانی، بخش مهمی از موقعیت‌های اجتماعی مدرنیته شده‌اند (همان، ۱۴۳) و زندگی شخصی و پیوندهای اجتماعی در فراگیرترین نظام‌های انتزاعی عمیقاً در هم تنیده‌اند (همان، ۱۴۴). «آن» تغییر شکل صمیمیت» که من از آن سخن گفته‌ام، بستگی به همان فاصله‌گیری‌ای دارد که مکانیسم‌های ازجاکننده در کنار محیط‌های اعتماد دگرگون‌شده لازمه این محیط‌ها، به ارمغان می‌آورند. صمیمیت و نظام‌های انتزاعی به شیوه‌های آشکار متنوعی کنش متقابل دارند. برای مثال، با پول می‌توان خدمات تخصصی روان‌شناسی را خرید و با استفاده از راهنمایی این خدمات جهان صمیمانه و غیرشخصی درونی را برای خود کشف کرد» (همان، ۱۷۰).

از نگاه گیدنز روابط شخصی و تغییر شکل صمیمیت با بحث هویت شخصی و شیوه‌های زندگی نیز ارتباط دارد و رابطه ناب و هویت شخصی به شدت با هم در آمیخته‌اند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۲۲). از نظر او هویت شخصی در فرهنگ‌های سنتی تابعی از جنسیت، تبار، پایگاه اجتماعی و دیگر صفاتی بوده است که فرد در برابر آن‌ها وضعیتی منفعلانه داشته و نمی‌توانسته است به صورت فعال نقشی برای به‌دست آوردن هویت خویش ایفا نماید. اما در دوران

مدرنیته متاخر، «باید مفهوم «خود» را همانند زمینه‌های نهادین وسیع‌تری که «خود» در آن‌ها تحقق می‌یابد به نحوی بازتابی/بازاندیشانه ساخت و پرداخت» (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۸).

بدین ترتیب تحقق نفس و ساختن خود که در بندهای قبلی به آن اشاره شد، فرایندی است که از سویی با بازاندیشی و از سوی دیگر با شکل‌دهی به هویت در دوران مدرن مربوط می‌شود. «ساخت خود به عنوان یک طرح بازاندیشانه بخشی اساسی از بازاندیشی مدرنیت را می‌سازد. فرد مدرن باید از میان راه‌ها و گزینه‌هایی که نظام‌های انتزاعی فراهم می‌کنند و پیش رویش می‌نهند، هویتش را پیدا کند» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۴۸).

تغییر شکل صمیمیت و ظهور «رابطه ناب»

گیدنز در کتاب «تغییر شکل صمیمیت»، به روندی می‌پردازد که آغاز آن «عشق شهوانی»^۱ است و سپس به «عشق رمانتیک»^۲ و «عشق توامان»^۳ در روابط شخصی می‌رسد و به «رابطه ناب»^۴ ختم می‌شود. گیدنز عشق شهوانی را از مفهوم «عشق رمانتیک» متفاوت می‌داند. او در حالی که عشق شهوانی را پدیده‌ای کم و بیش جهانی می‌انگارد، عشق رمانتیک را از اختصاصات فرهنگی می‌داند که در اروپای قرن‌های ۱۸ و ۱۹ ظهور کرده است (گیدنز، ۱۹۹۲: ۳۸). از دیدگاه او، عشق شهوانی، بیان‌کننده یک ارتباط کلی بین عشق و وابستگی جنسی است، و با اضطراری که از زندگی روزمره جدا است، مشخص می‌گردد. این عشق درگیری عاطفی فراگیر و نیرومندی با دیگری است که ممکن است یک یا هر دو طرف رابطه را از وظایف معمولی روزمره‌شان غافل کند (گیدنز، ۱۹۹۲: ۳۸ و ۳۷). «عشق شهوانی فرد را از زندگی این جهانی می‌اندازد و آمادگی برای در نظر گرفتن گزینه‌های رادیکالی همچون قربانی کردن را هم ایجاد می‌کند» (همان، ۳۸) به همین علت، عشق شهوانی برای نظم جامعه و انجام وظایف اجتماعی خطرناک است. در همه فرهنگ‌ها این نوع عشق به ندرت به عنوان پایه کافی یا

1 -Passionate love

2 -Romantic love

3- Confluent love

4- Pure relationship

ضروری برای یک ازدواج مطلوب پذیرفته می‌شود و معمولاً نوعی سرکشی محسوب می‌شود (همان، ۳۸).

گیدنز عشق رمانتیک را طلیعه شکل گرفتن ازدواج بر مبنای گرایش دوطرفه (به جای منطق اقتصادی) می‌داند. و آن را روایتی از درون یک زندگی شخصی معرفی می‌کند و می‌گوید گفتن داستان یکی از معانی رمانس است و اینک این داستان شخصی شده است. او شروع عشق رمانتیک را کم و بیش با پیدایش رمان هم‌زمان می‌داند و معتقد است نوع عشق جدیدالحدوث «بازاندیشی» عشق ناب را گسترش داده است (همان، ۳۹). به اعتقاد گیدنز ایده‌های عشق رمانتیک برای اولین بار عشق و آزادی را با هم مرتبط ساخت و پیوندی بین آزادی و متحقق کردن خود برقرار ساخت (همان، ۳۹). وی عشق رمانتیک را با عقلانیت نیز در ارتباط می‌داند و آن را مسیر بالقوه‌ای برای کنترل آینده می‌بیند (همان، ۴۱). گیدنز، قبل از رسیدن به رابطه ناب در دوران جدید وضعیت دیگری را شرح می‌دهد به نام «عشق توامان» و این نوع عشق را در برابر عشق رمانتیک فعال و مشروط می‌داند.

گیدنز پس از توضیح دو نوع عشق مزبور نهایتاً به توضیح مفهوم رابطه ناب می‌پردازد که رابطه‌ای برابر است. او عشق ناب را رابطه‌ای برای خود (نفس) همان رابطه و فارغ از وابستگی‌های بیرونی و فقط برای رضایت عاطفی دو طرف رابطه می‌داند (همان، ۵۸). به نحوی که «بر خلاف پیوندهای شخصی یا خصوصی در جامعه سنتی، رابطه ناب وابسته به عوامل بیرونی زندگی اجتماعی و اقتصادی نیست و چنان می‌نماید که گویی در فضا شناور است» (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۳۱). او توضیح می‌دهد که ازدواج‌ها در دوران ماقبل مدرن بیشتر به وسیله والدین ترتیب داده می‌شدند و تحت تاثیر ملاحظات اقتصادی قرار داشتند، پیوند زناشویی در چاقوب‌های تقسیم کار داخلی شوهر نان آور و زن خانه دار شگل می‌گرفت، روابط بر پایه قواعد و الزام‌های بیرونی از پیش تعیین شده و جا افتاده تنظیم می‌گردیدند، درحالی‌که، رابطه ناب به واسطه عشق و صمیمیت ساخته شده توسط طرفین تنظیم می‌گردد و به عوامل بیرون از رابطه وابسته نیست، از این‌رو، او می‌گوید که گویی رابطه در فضا شناور است. از نگاه او اعتماد در رابطه ناب نیز از قید هر گونه معیار بیرونی و ضابطه‌ای خارج از

نفس ارتباط آزاد می‌شود (معیارهای خویشاوندی، وظیفه اجتماعی یا تکالیف سنتی) (همان، ۲۲). به اعتقاد او «ارتباط ناب منوط به اعتماد متقابل است و اعتماد متقابل نیز به نوبه خود رابطه‌ای نزدیک توأم با صمیمیت و خودمانی شدن است... [که] برای ایجاد اعتماد، شخص باید هم به دیگری اعتماد کند و هم خودش دست کم در محدوده رابطه مورد نظر قابل اعتماد باشد» (همان، ۱۴۰). او صمیمیت و خودمانی شدن را در ذات اشکال نوین دوستی‌ها نهفته می‌داند و تصریح می‌کند شکل‌گیری صمیمیت تنها در میان افرادی امکان‌پذیر است که از نظر هویت شخصی به نوعی احساس امنیت دست یافته باشند، و از این بابت است که گیدنز طرح بازاندیشی خود را محور مهمی در رابطه ناب می‌داند که با پرسش «آیا همه چیز روبه‌راه است؟» مطرح می‌شود. از نظر او خودآزمایی مرتبط با رابطه ناب آشکارا و عمیقاً با طرح بازاندیشانه‌ای که از خود ترسیم کرده‌ایم مرتبط است (همان، ۱۳۳) و «در رابطه ناب، فقط کافی نیست که شخص «وجود دیگری را به رسمیت بشناسد» تا آن دیگری، در واکنش به این رفتار هویت شخص خویشتن را مستحکم‌تر احساس کند. بلکه موضوع مهم این است که بر اساس نکته‌های پیش‌گفته هویت شخصی از خلال فرآیندهای به هم پیوسته خودکامی و خودمانی‌گری با طرف مقابل استحکام می‌یابد» (همان، ۱۴۲). همچنین از نگاه گیدنز «تعهد» در زمینه رابطه‌های ناب نقشی مرکزی بر عهده دارد... تعهد در بافت کلی رابطه ناب، به طور کلی جانشین همان لنگرهایی است که در جوامع پیشامدرن تداوم ارتباط‌های شخصی نزدیک را تضمین می‌کند» (همان، ۱۳۵).

جمع‌بندی و فرضیه‌ها

همان‌طور که در مرور فشرده آرای گیدنز بیان شد، یکی از پیامدهای مدرنیته تغییر شکل صمیمیت و شکل‌گیری «رابطه ناب» است. گیدنز میان گرایش‌های جهانی مدرنیته و تغییر شکل صمیمیت پیوندی مستقیم (و نیز دیالکتیکی) می‌بیند؛ و می‌گوید تغییر شکل صمیمیت را بر مبنای مکانیسم‌های اعتماد می‌توان تحلیل کرد. بنابراین در دوران مدرن و زندگی امروزی همراه با تهی شدن زمان و مکان و مکانیسم‌های ازجاکنندگی و در نتیجه گسترش نظام‌های

انتزاعی، پیوندها و ارتباط‌های اجتماعی از وابستگی به اجتماع‌های محلی و روابط خویشاوندی رها شده است، و اعتماد شخصی دیگر چیزی از پیش تعیین شده و وابسته به این منابع (اجتماع محلی و روابط خویشاوندی) نیست؛ بلکه تبدیل به طرحی شده است که طرفین باید روی آن کار کنند و این به معنای فراگرد متقابل خودواگشایی است. از این بابت اعتماد متقابل بین شخصی از خویشاوندان و آشنایان و افراد وابسته به مکان، به دوستان انتخابی با رابطه مبتنی بر صمیمیت انتقال یافته است و الگوی روابط تغییر کرده و وابسته به اعتماد بنیادین یا نگرش خوش بینانه و مثبت نسبت به خود، زندگی و دیگران شده است. این نوع اعتماد مبنا و اساس اعتمادهای دیگر و احساس امنیت نیز است.

نظام‌های تخصصی از طریق دانش و اطلاعات تخصصی و فنی، انتخاب‌های فراوانی که برای افراد فراهم آورده‌اند، اعتبار باورها و دستورالعمل‌های سنتی را سست نموده‌اند و در مقابل دانش بازاندیشانه‌ای را برای سامان بخشیدن به کنش‌ها و تنظیم روابط افراد به دست داده‌اند؛ به نحوی که پروژه بازاندیشانه خود با پرسش دائمی از خود و در راه هدایت و متحقق ساختن خویشتن حرکت می‌کند، این پروژه به طور فزاینده‌ای به نظام‌های تخصصی و اعتماد انتزاعی وابسته است. در نتیجه با نو شدن شیوه‌های زندگی و گسترش نظام‌های انتزاعی و اعتماد، اطمینان و احساس امنیت حاصل از آن، پیوندها و ارتباط‌های اجتماعی مبتنی بر اجتماع محلی و روابط خویشاوندی کم‌رنگ و دوستی‌ها و روابطی شکل می‌گیرد که محور و اساس آن صمیمیت و رضایت عاطفی می‌شود.

بدین ترتیب با توجه به چارچوب و مفاهیم نظری ذکرشده، چهار فرضیه اولیه این تحقیق را به شکل زیر می‌توان صورت‌بندی کرد:

- «رابطه ناب» با «اعتماد بنیادین» رابطه مستقیم دارد.
- «رابطه ناب» با «اعتماد متقابل بین شخصی» رابطه دارد.
- «رابطه ناب» با «اعتماد انتزاعی» رابطه مستقیم دارد.
- «رابطه ناب» با «امنیت وجودی» رابطه مستقیم دارد.

همچنین نظام‌های تخصصی و بازانديشی به واسطه رسانه‌های ارتباطی با افزایش اطلاعات و داده‌ها موجبات بازانديشی و بازننگری دائمی افراد را فراهم می‌کنند. گیدنز می‌گوید «انبوه عظیمی از مقالات تخصصی و کتاب‌های راهنما و همچنین برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی به طور مداوم ناقل اطلاعات و پژوهش‌هایی هستند که درباره روابط خصوصی و شخصی افراد هستند و موضوع بحث و فحص‌های خود را به طور بازتابی در معرض بازسازی یا تغییر و تبدیل‌های ماهوی قرار می‌دهند» (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۳۵). لذا بر فرضیات دیگری نیز می‌توانیم تاکید کنیم.

رابطه ناب با مصرف رسانه‌ای رابطه مستقیم دارد.

از دید گیدنز، در شرایط مدرن، هر فرد انتخاب‌های بیشتری دارد و می‌تواند شیوه زندگی خود را انتخاب نماید و این امکان بیشتر به واسطه دگرگونی‌هایی که مدرنیته به وجود آورده فراهم شده‌است، نه به واسطه موقعیت و پایگاه افراد. به باور او، «انتخاب شیوه زندگی و برنامه‌ریزی زندگی دقیقاً در بطن زندگی روزمره عامل‌های اجتماعی یا از عناصر تشکیل‌دهنده آن زندگی نیست بلکه مرتبط با موقعیت‌های نهادینی است که به افراد کمک می‌کند به کنش‌های خود شکل دهند. این یکی از دلایلی است که نشان می‌دهند چرا در اوضاع و احوال تجدد کنونی انتخاب شیوه زندگی و برنامه‌ریزی زندگی تأثیراتی کم و بیش عام دارد و چندان ارتباطی با موقعیت‌های اجتماعی افراد یا گروه‌ها و محدودیت‌های ویژه آن‌ها ندارد» (گیدنز، ۱۳۸۵، ۱۲۶). بنابراین رابطه ناب که به عنوان یکی از عناصر شیوه‌ی خاصی از زندگی انتخاب می‌شود چندان وابسته به پایگاه اقتصادی- اجتماعی نیست.

رابطه ناب به پایگاه اقتصادی- اجتماعی فرد وابسته نیست.

نظر به این‌که جوانان و افراد دارای تحصیلات بیشتر به دلیل ارتباطات و اطلاعات‌شان مواجهه بیشتری با مدرنیته و نظام‌های تخصصی و بازانديشانه آن دارند، همچنین با توجه به این‌که اکثر تحقیقات قبلی نشان می‌دهد جوانان نسبت به افراد مسن‌تر دارای نگرش‌های غیرسستی‌تری هستند (ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۲)، در این تحقیق نیز رابطه سن و

تحصیلات با متغیر وابسته «رابطه ناب» بررسی شده و رابطه مستقیم سن و تحصیلات با رابطه ناب به عنوان فرضیه مطرح گشته است.
رابطه ناب با سن رابطه مستقیم دارد.
رابطه ناب با تحصیلات رابطه مستقیم دارد.

پیشینه تحقیق

از مفاهیم مدرنیته متأخر گیدنز، مفهوم‌های اعتمادهای سه گانه و احساس امنیت وجودی این نظریه در چند تحقیق مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است، که در زیر به آنها اشاره می‌گردد. اما تحقیقی که بطور مشخص مفهوم "رابطه ناب" گیدنز را در جامعه ایران بسنجد، مشاهده نگردیده است. همچنین به یک مقاله خارجی که بطور مشخص مفهوم رابطه ناب گیدنز را سنجیده‌اند اشاره می‌شود.

کمالی (۱۳۸۲) در پایان نامه دوره دکترا خود با عنوان «مطالعه تطبیقی اعتماد اجتماعی در دو حوزه فرهنگ و سیاست (با تاکید بر سازمان های تخصصی)»، مفاهیم اعتماد های سه گانه گیدنز؛ اعتماد انتزاعی، اعتماد بنیادین و اعتماد متقابل بین شخصی و همچنین احساس امنیت را در کنار متغیرهای دیگر مورد سنجش و ارزیابی قرار داده است. در این تحقیق متغیر اعتماد متقابل بین شخصی با دو معرف امانت و صمیمیت سنجیده شده است (همان، ۳۴۱). همچنین اعتماد بنیادین با سه معرف اعتماد به خود، اعتماد به زندگی و اعتماد به دیگران، و اعتماد انتزاعی به سازمانهای تخصصی با دو معرف کارآمدی و استمرار، و همچنین احساس امنیت با چهار معرف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جانی مورد سنجش قرار گرفته‌اند (همان، ۳۰۵).

رفعت جاه (۱۳۸۲) در پایان نامه دوره دکترا خود با عنوان «زنان و باز تعریف هویت اجتماعی»، به بررسی باز اندیشی هویت زنان در تهران پرداخته است. ایشان از نظرات گیدنز به عنوان یکی از منابع چارچوب نظری استفاده نموده است. مفهوم اعتماد بنیادین با توجه به آرای گیدنز به عنوان متغیر مستقل و یکی از عوامل مؤثر بر هویت شخصی از متغیر های مورد بررسی پژوهش فوق بوده است (رفعت جاه، ۱۳۸۲: ۱۳۵).

آگروس^۱ و سیمونز^۲ (۲۰۰۲) در مقاله ای با عنوان «صمیمیت به عنوان یک پدیده دو لبه؟ یک آزمون تجربی از گیدنز»، با تحقیقی تجربی مفهوم رابطه ناب گیدنز و اثرات مثبت و منفی آنرا می‌سنجند. در این تحقیق، محققین فوق، مفهوم رابطه ناب را به عنوان متغیر مستقل با استفاده از شاخصهای صمیمیت، نگرشهای سنتی و رفتارهای سنتی سنجیده‌اند.

روش پژوهش

داده‌های این تحقیق از طریق روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه گردآوری شده است و واحد تحلیل این تحقیق فرد است. جامعه آماری پژوهش افراد شاغل دارای همسر (متاهلان) ما بین ۱۸ تا ۳۵ سال و ساکن در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران می‌باشند. بنا بر سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ حدود ۲۶۴۹۹۴۰ نفر در تهران شاغل هستند و از این تعداد شاغلین ۱۸۷۱۳۹۰ نفر متاهل می‌باشند، از تعداد کل شاغلین حدود ۱۲۶۱۴۹۲ نفر ما بین ۱۸-۳۵ سال سن دارند، همچنین از تعداد کل شاغلین متاهل حدود ۸۹۰۸۶۷ نفر ما بین ۱۸-۳۵ سال هستند، که این تعداد جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهند. در این تحقیق برای تعیین حجم نمونه با در اختیار داشتن جامعه آماری از معادله نمونه گیری کوکران استفاده شده است، حجم نمونه با در نظر گرفتن احتمال خطای ۰.۵٪ درصد و سطح اطمینان ۹۵٪ و واریانس صفات جامعه به نسبت ۰.۵٪ وجود صفت و ۰.۵٪ عدم وجود صفت در جامعه با استفاده از این فرمول محاسبه و تعداد حجم نمونه در حدود ۳۸۴ نفر گردیده است.

باتوجه به اینکه در نظر گیدنز رابطه‌های ناب قبل از هر چیز در قلمرو ازدواج و رفاقت و دوستی‌های بسیار نزدیک پدید می‌آیند (گیدنز، ۱۳۸۵، ۱۴۲)، در این پژوهش نیز به منظور برداشت یکسان از موقعیت رابطه، مفهوم رابطه ناب تنها در بین افراد دارای همسر و در موقعیت رابطه ازدواج سنجیده و بررسی شده است. همچنین با توجه به تعریف و مفهوم رابطه ناب که برابری و وابسته نبودن به عوامل بیرونی از عناصر اصلی آن است، افراد شاغل دارای

1- Neil Gross

2- Solon Simmons

درآمد برای جامعه آماری انتخاب شده‌اند. در ضمن نظر به این که نظام‌های تخصصی در نظریه مدرنیته گیدنز از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند، فقط شاغلین سازمان‌های دولتی و خصوصی، برای جامعه آماری در نظر گرفته شده‌اند، از این رو، روش نمونه‌گیری در این تحقیق ترکیبی از روش سهمیه‌ای (غیر احتمالی) و تصادفی (احتمالی) است^۱ (به همین دلیل روشن است که نتایج این تحقیق قابلیت تعمیم به تمام جوانان شاغل را ندارد).

متغیرهای پژوهش

متغیرهای مستقل؛ متغیرهای مستقل این تحقیق عبارتند از: متغیرهای زمینه‌ای سن، جنس، سواد، نوع شغل و همچنین پایگاه اقتصادی و اجتماعی پاسخگو که از ترکیب متغیرهای میزان تحصیلات، نوع شغل، میزان درآمد و وضعیت مالکیت خانه مسکونی ساخته شده است. مفاهیم اعتماد بنیادین، اعتماد انتزاعی و اعتماد متقابل بین شخصی و همچنین احساس امنیت، دسترسی رسانه‌ای و مصرف رسانه‌ای (داخلی) نیز جزء متغیرهای مستقل این تحقیق محسوب می‌شوند.

متغیر وابسته؛ رابطه ناب با ابعاد انتخابی بودن، برابری و غیرستی بودن، صمیمانه بودن و فارغ از عوامل بیرونی بودن (اقتصادی و اجتماعی)، متغیر اصلی و وابسته این تحقیق است.

۱- نوع سازمان دولتی و خصوصی انتخاب شده در این تحقیق به صورت غیر احتمالی است، و از بین سازمان و ادارات دولتی شهر تهران، شهرداری و ادارات تابعه مناطق ۲۲ گانه آن در ابتدا انتخاب شده اند، سپس از بین آنها یک اداره به صورت احتمالی انتخاب شده و از بین کارمندان آنها نیز به صورت احتمالی پاسخ گویان انتخاب شده اند. همچنین از بین سازمانها و شرکتهای خصوصی، آموزشگاهها، شرکتهای مهندسی مشاور و شرکتهای خدمات توریستی در ابتدا انتخاب شده اند، سپس از بین شرکتهای مهندسی مشاور بنا بر لیست اسامی این شرکتهای گرفته شده از جامعه مهندسی مشاور ایران، یک شرکت به صورت احتمالی انتخاب شده است. همچنین از بین آموزشگاهها و شرکتهای خدمات توریستی بنا بر اسامی آنها در کتاب اول، دو شرکت به صورت احتمالی انتخاب شده است، و از بین لیست کارمندان آنها پاسخ گویان به صورت احتمالی انتخاب شده است.

تعریف مفاهیم و سنجش متغیرها

رابطه ناب؛ «رابطه ناب، رابطه‌ی عاطفی و جنسی برابر است» (گیدنز، ۱۹۹۲، ۲). رابطه ناب «نوعی رابطه اجتماعی خود مرجع که منحصرآ وابسته به احساس رضایت یا پاداش مشخصی است که از خود همان رابطه حاصل می‌شود» است (گیدنز، ۱۳۸۵، ۳۲۵). با توجه به تعریف و ابعاد مفهومی رابطه ناب در تحقیق حاضر این متغیر با مؤلفه‌های انتخابی بودن، برابره و غیرستی بودن، صمیمانه بودن و فارغ از عوامل بیرونی بودن (اقتصادی و اجتماعی) ساخته شده است. شاخص شیوه همسرگزینی با تعریف میزان آزادانه و انتخابی بودن شیوه انتخاب همسر توسط فرد، وجه انتخابی بودن مفهوم رابطه ناب را می‌سنجد. «تنها هنگامی که پیوندهای دوستی و صمیمیت به طرزی کم و بیش آزادانه انتخاب شده باشند ما می‌توانیم از "رابطه"، به مفهومی که امروزه در زبان مردم عادی جا افتاده است، یاد کنیم» (گیدنز، ۱۳۸۵، ۱۲۹). **نگرش‌های جنسیتی** شاخصی برای سنجش بعد برابره و غیرستی مفهوم رابطه ناب است. میزان نگرش برابره پاسخگویان نسبت به زنان و مردان در حق تحصیل، تصمیم‌گیری در خانه، اشتغال، تامین مخارج خانه و حق طلاق با طیفی پنج قسمتی از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف سنجیده شده است. همچنین برای سنجش بعد مذکور از شاخص **کارهای خانه** نیز استفاده شده است، که از طریق آن رفتار برابره در انجام وظایف و کارهای خانگی (وظایف آشپزی، نظافت خانه، شستشوی ظرف‌ها و لباس‌ها، خرید روزمره خانه و امور تعمیرات و تاسیسات خانه) که در زندگی روزمره بر پایه نوعی تقسیم کار جنسیتی شکل گرفته‌اند بررسی شده است. از آنجا که «تقاضای صمیمیت جزء تفکیک‌ناپذیر ارتباط ناب است» (گیدنز، ۱۳۸۵، ۲۲)، و «رابطه ناب متمرکز بر صمیمیت‌ها و خصوصیت‌هایی است که شرط اصلی ثبات عقیده پایا و دراز مدت هر یک از دو طرف محسوب می‌گردد» (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۳۷)، شاخص **صمیمیت** برای سنجش بعد صمیمانه رابطه ناب، در بین پاسخگویان سنجیده شده است. مؤلفه صمیمیت این‌گونه تعریف شده است؛ احساس نزدیکی و خودمانی بودن با طرف مقابل، خودمانی‌گری و احساس نزدیکی، و سهیم بودن در احساسات و تجربیات مشترک از طریق

فراگرد متقابل خودواگشایی. مؤلفه صمیمیت با هشت معرف به صورت طیفی پنج قسمتی از خیلی زیاد تا خیلی کم سنجیده شده است. همچنین گیدنز می‌گوید «بر خلاف پیوندهای شخصی یا خصوصی در جامعه سنتی، رابطه ناب وابسته به عوامل بیرونی زندگی اجتماعی و اقتصادی نیست و چنان می‌نماید که گویی در فضا شناور است... ازدواج بیش از پیش به صورت رابطه‌ای درآمده است که دلیل پیدایش و ادامه آن احساس رضایت عاطفی خاصی است که از هم‌زیستی و ارتباط نزدیک با همسر مطلوب حاصل می‌شود» (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۳۱). از اینرو شاخص **عوامل بیرونی** (اقتصادی و اجتماعی) با دو معرف میزان ملاک بودن عشق و دوست داشتن در انتخاب همسر، و همچنین میزان موثر بودن احساس عاشقانه و رضایت عاطفی در دوام زندگی مشترک در نسبت با عوامل اقتصادی و اجتماعی (اعتبار اقتصادی، اعتبار اجتماعی، نظر والدین، تقید دینی، زیبایی و ...) به صورت طیفی پنج قسمتی سنجیده شده است.

اعتماد بنیادین: اعتماد به دنیای عینی و ملموس و همچنین اعتماد به همیشگی بودن دیگران که از تجربیات نخستین مراحل کودکی سرچشمه می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۳۲۳). اعتماد بنیادین با سه معرف اعتماد به خود، اعتماد به زندگی و رضایت از زمینه‌های مختلف زندگی و موفقیت خود ارزیابی شده است. اعتماد به خود؛ اطمینان خاطر از رفتار خود که فردی قابل اعتماد است و برای ایجاد ارتباط با دیگران مشکلی ندارد. اعتماد به زندگی؛ خوش‌بینی و باور به تداوم زندگی و عدم نگرانی و دلهره از بابت رخ دادن وقایع ناگوار. میزان رضایت فرد از زمینه‌های مختلف زندگی و تصور از میزان موفقیت خودش (رفعت‌جاه، ۱۳۸۲: ۱۳۵ و کمالی، ۱۳۸۳: ۳۰۵).

اعتماد انتزاعی: در این تحقیق اعتماد به سازمان‌ها و تخصص‌ها با توجه به موضوع تحقیق به صورت کلی و در هفت گویه‌ی، نظام‌های تخصصی اقتصادی، بهداشتی، آموزشی، اطلاع‌رسانی، نظم و قضایی با استفاده از یک طیف پنج‌قسمتی از خیلی زیاد تا خیلی کم مورد بررسی قرار گرفته است.

اعتماد متقابل بین شخصی؛ ایمان به صداقت و یا عشق دیگری. با توجه به مفهوم و ویژگی اعتماد متقابل بین شخصی در دوران مدرن، اعتماد با معرف امین بودن و صمیمیت و در پنج گویه‌ی اعتماد به دوستان و آشنایان، اقوام و خویشان، همکاران، همسایه‌ها و همسر با استفاده از یک طیف پنج قسمتی از خیلی زیاد تا خیلی کم سنجیده شده است. صمیمیت؛ احساس رابطه نزدیک و خودمانی با افراد دیگر. امانت؛ باور به تعهد متقابل افراد و نظم و استمرار در عملکرد آنان نسبت به خود (کمالی، ۱۳۸۳: ۳۰۵).

احساس امنیت؛ بنابر نظر گیدنز، نقطه مقابل اعتماد، بی‌اعتمادی نیست بلکه احساس ناامنی است. «نقطه مقابل اعتماد به عمیق‌ترین معنای آن، حالتی ذهنی است که جان‌مایه‌اش همان نگرانی یا هراس وجودی است» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۱۹). در این مطالعه احساس امنیت در چهار بعد امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی و امنیت جانی و با استفاده از یک طیف پنج‌قسمتی مورد بررسی قرار گرفته است (کمالی، ۱۳۸۳: ۳۰۵).

اعتبار و پایایی

به منظور بررسی همسازی درونی مفاهیم و متغیرهای چندگویه‌ای در این تحقیق و برای اطمینان یافتن از پایایی سئوال‌ات پرسشنامه، در یک مطالعه‌ی مقدماتی که ۳۰ نفر در آن شرکت داشتند از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که سنجش این مفاهیم از پایایی به معنی ثبات و تکرارپذیری سنجش برخوردار است.

جدول ۱- میزان پایایی متغیرهای تحقیق

متغیرها	ضریب آلفای کرونباخ
نگرش‌های جنسیتی	۰/۷۱
اعتماد بنیادین	۰/۶۱
اعتماد متقابل بین شخصی	۰/۸۰
اعتماد انتزاعی	۰/۷۷
صمیمیت	۰/۸۰

خود مختاری	۰/۶۵
عوامل بیرونی	۰/۶۰

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های فردی پاسخگویان

در این تحقیق، پرسشنامه‌های ۳۸۴ پاسخگو مورد بررسی قرار گرفته است، که ویژگی‌های فردی پاسخگویان در جدول زیر خلاصه شده است.

جدول ۲- توزیع پاسخ‌گویان بر حسب هر یک از ویژگی‌های فردی

جنسیت	سن	سواد	درآمد	پایگاه اقتصادی و اجتماعی
زن	۱۸-۲۴ ساله	دیپلم	۲۰۰-۳۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۴	۲۵-۳۰ ساله	دیپلم	۳۰۰-۴۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۵	۳۱-۳۵ ساله	دیپلم	۴۰۰-۵۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۶	۳۶-۴۰ ساله	دیپلم	۵۰۰-۶۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۷	۴۱-۴۵ ساله	دیپلم	۶۰۰-۷۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۸	۴۶-۵۰ ساله	دیپلم	۷۰۰-۸۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۹	۵۱-۵۵ ساله	دیپلم	۸۰۰-۹۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۱۰	۵۶-۶۰ ساله	دیپلم	۹۰۰-۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۱۱	۶۱-۶۵ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۱۲	۶۶-۷۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۱۳	۷۱-۷۵ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۱۴	۷۶-۸۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۱۵	۸۱-۸۵ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۱۶	۸۶-۹۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۱۷	۹۱-۹۵ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۱۸	۹۶-۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۱۹	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۲۰	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۲۱	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۲۲	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۲۳	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۲۴	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۲۵	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۲۶	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۲۷	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۲۸	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۲۹	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۳۰	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۳۱	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۳۲	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۳۳	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۳۴	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۳۵	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۳۶	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۳۷	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۳۸	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۳۹	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۴۰	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۴۱	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۴۲	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۴۳	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۴۴	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۴۵	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۴۶	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۴۷	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۴۸	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۴۹	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط
۵۰	بیش از ۱۰۰ ساله	دیپلم	بیش از ۱۰۰۰ هزار تومان	پایگاه متوسط

توصیف متغیرهای مستقل تحقیق

اعتماد بنیادین؛ اعتماد به خود پاسخگویان با دو پرسش و میانگین‌های ۳/۸ و ۴ بیشترین میزان از سه معرف فوق است، اعتماد به زندگی پاسخگویان با یک سؤال و میانگین ۳/۳ دارای کمترین مقدار این سه معرف است. احساس موفقیت پاسخگویان با میانگین ۳/۳ در حد میزان اعتماد به زندگی قرار دارد. در میان اجزاء زمینه‌های زندگی، «رضایت از تحصیلات» با میانگین ۲/۹ دارای کمترین میزان و «رضایت از زندگی خانوادگی» با میانگین ۴/۱ بیشترین میزان رضایت از زندگی پاسخگویان است. در کل میانگین اعتماد بنیادین پاسخگویان حدود ۳/۷ است.

اعتماد متقابل بین شخصی؛ اعتماد متقابل بین شخصی با دو معرف صمیمیت و تعهد، و پنج گویه سنجیده شده است. گویه همسایه‌ها در هر دو معرف دارای کمترین میزان است، و با

این نظر گیدنز که اعتماد بین شخصی در دنیای مدرن از وابستگی به مکان خارج شده است هماهنگ است. گویه همسر نیز در هر دو معرف دارای بیشترین میزان است و نشان‌دهنده این است که روابط خانوادگی کماکان دارای جایگاه ویژه‌ای در جامعه است. اعتماد به دوستان و آشنایان تقریباً برابر با اعتماد به خویشاوندان و اقوام است و می‌تواند نشانه‌ای از رشد روابط قابل اعتماد بیرون از روابط خویشاوندی در جوامع مدرن باشد. همچنین میانگین دو بعد صمیمیت و تعهد در پاسخگویان تقریباً برابر است.

اعتماد انتزاعی؛ بیشترین میزان اعتماد پاسخگویان به بانک‌ها به عنوان نظام تخصصی اقتصادی است و کمترین میزان اعتماد پاسخگویان به دادگاه‌ها، رادیو و تلویزیون و مطبوعات به عنوان نظام‌های قضایی و اطلاع‌رسانی است. پاسخ‌گویان به پلیس راهنمایی و رانندگی، بیمارستان‌ها و خدمات روانشناسی با میانگین حدود ۲/۷ اندکی بیش از نصف اعتماد دارند. در مجموع اعتماد انتزاعی پاسخگویان با میانگین ۲/۴۵ کمتر از نصف یا پنجاه درصد است.

احساس امنیت؛ بیشترین میزان احساس امنیت مربوط به بعد اجتماعی و با میانگین ۳ است. کمترین میزان احساس امنیت با میانگین ۱/۶ به احساس امنیت در حوزه سیاسی مربوط است. در مجموع میانگین احساس امنیت پاسخ‌گویان زیر پنجاه درصد و در حدود ۲ است.

دسترسی رسانه‌ای؛ صد درصد پاسخگویان از رادیو و یا تلویزیون استفاده می‌کنند، در حالی که ۱۱ درصد از آنان از روزنامه و مجلات، ۲۴ درصد از کتب غیردرسی و ۱۷ درصد از اینترنت یا استفاده نمی‌کنند و یا فاقد دسترسی به آن هستند.

مصرف رسانه‌ای؛ بیشترین میزان مصرف رسانه‌ای پاسخگویان با میانگین ۱۴۴ دقیقه در روز مربوط به رادیو و تلویزیون، و کمترین میزان مصرف رسانه‌ای آنان با ۲۸/۵ دقیقه در روز مربوط به کتب غیردرسی است.

توصیف متغیر وابسته تحقیق

توزیع پاسخگویان در هر یک از شاخص‌های سازنده متغیر رابطه ناب در جدول ۳ آمده است.

در شاخص **کارهای خانه**، فقط در گویه خرید مایحتاج روزانه پاسخگویان رفتاری برابانه داشته‌اند. در دو رفتار آشپزی و امور تاسیسات خانه با میانگین حدود ۱/۳ رفتاری بسیار جنسیتی در پاسخگویان مشاهده شده است، در مجموع در این شاخص رفتار حدود ۹۳ درصد پاسخگویان خیلی کم و کم غیرجنسیتی، ۷ درصد برابانه، و رفتار هیچ درصدی از پاسخگویان خیلی زیاد و زیاد غیرجنسیتی بوده است.

شیوه‌های همسرگزینی، حدود پنجاه درصد از ازدواج‌ها با انتخاب شخصی پاسخگویان و توافق با خانواده برای نهایی شدن صورت گرفته است. حدود هجده درصد از ازدواج‌ها در حوزه روابط خویشاوندی صورت پذیرفته است. حدود بیست و دو درصد از ازدواج‌ها بدون انتخاب شخصی اولیه و به صورت معرفی از طرف خانواده و یا دوستان به صورت خواستگاری و با رضایت فرد صورت گرفته است. فقط حدود ۱۱ درصد از ازدواج‌ها با انتخاب شخصی و نهایی شدن بدون خانواده صورت گرفته است.

نگرش‌های جنسیتی پاسخگویان با شش گویه سنجیده شده است. نزدیک به هفتاد درصد پاسخگویان با داشتن حق طلاق زنان کاملاً موافق و یا موافق بوده‌اند، و میانگین این گویه از همه گویه‌ها بیشتر و در حدود ۳/۹ است. در مقابل این که زنان هم باید مثل مردان در تامین مخارج خانواده سهمیم باشند با میانگین ۳ کمترین میزان از گویه‌های نگرش‌های جنسیتی پاسخگویان بوده است. در مجموع در این شاخص نگرش حدود ۵۴ درصد پاسخگویان خیلی زیاد و زیاد غیرجنسیتی، نگرش حدود ۴۰ درصد متوسط و نگرش شش درصد خیلی کم و کم غیرجنسیتی بوده است.

اهمیت عوامل بیرونی (اقتصادی- اجتماعی) در انتخاب همسر و دوام زندگی پاسخگویان نسبت به عامل رضایت عاطفی و عشق و دوست داشتن، با دو سؤال سنجیده شده است. عامل رضایت عاطفی را ۹۷ درصد از پاسخگویان خیلی زیاد و زیاد در دوام زندگی مشترک موثر و عامل امکانات اقتصادی را ۶۳ درصد از پاسخگویان خیلی زیاد و زیاد موثر دانسته‌اند. همچنین عامل عشق و دوست داشتن را ۸۶ درصد از پاسخگویان خیلی زیاد و زیاد به عنوان ملاک انتخاب همسر برگزیده‌اند. عامل اعتبار اجتماعی را ۷۸ درصد از پاسخگویان خیلی زیاد و زیاد

به عنوان ملاک انتخاب همسر برگزیده‌اند. اعتبار اقتصادی به عنوان ملاک انتخاب همسر فقط توسط ۱۵ درصد از پاسخگویان خیلی زیاد و زیاد انتخاب شده است. در مجموع می‌توان گفت که از نظر پاسخگویان ملاک ازدواج و دوام زندگی، موضوعی چندبعدی است و به چند عامل وابسته است. عوامل بیرونی برای ۵/۵۸ درصد پاسخگویان خیلی زیاد و زیاد، برای ۴۰ درصد متوسط و برای ۱/۵ درصد آن‌ها خیلی کم و کم اهمیت نداشته است.

میزان صمیمیت پاسخگویان در روابط با همسرشان با هشت سؤال سنجیده شده است. حدود ۹۳ درصد از پاسخگویان ابراز کرده‌اند با همسرشان به میزان خیلی زیاد و زیاد احساس نزدیکی و خودمانی بودن می‌کنند. همچنین حدود ۱۲ درصد از پاسخگویان گفته‌اند در حین گفتگوهای شخصی با همسرشان خیلی زیاد و زیاد دعوایشان می‌شود. در مجموع حدود ۹۱ درصد از پاسخگویان میزان صمیمیت با همسرشان را خیلی زیاد و زیاد بیان کرده‌اند.

«**رابطه ناب**» متغیر اصلی و محوری این تحقیق است که نمره هر پاسخگو در پنج طبقه از خیلی زیاد تا خیلی کم رتبه‌بندی گردیده است. حدود ۴۶ درصد از پاسخگویان در طبقه متوسط این طیف قرار گرفته‌اند، و فقط ۲/۴ درصد از پاسخگویان رتبه خیلی زیاد را دریافت داشته‌اند و در عین حال هیچ پاسخگویی در رتبه خیلی کم قرار نگرفته است.

جدول ۳- توزیع پاسخگویان بر اساس درصد در هر یک از شاخص‌های رابطه ناب

شرح	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین	نما	انحراف استاندارد
وزن طیف	۵	۴	۳	۲	۱	-	-	-
رفتارهای غیر جنسیتی	۰	۰	۶/۶	۵۰/۸	۴۲/۶	۱/۶۳	۲	۰/۶۰
نگرش‌های غیر جنسیتی	۱۶/۹	۳۶/۹	۴۰	۳/۱	۳/۱	۳/۶	۳	۰/۹۰
صمیمیت	۳۵/۹	۴۵/۳	۱۸/۸	۰	۰	۴/۱۷	۴	۰/۷۲
اهمیت نداشتن عوامل	۱/۵	۵۶/۹	۴۰	۱/۵	۰	۳/۵۸	۴	۰/۵۵

شماره اول	نگاهی به مدرنیته در ایران از دریچه روابط شخصی...								۴۳
بیرونی									
رابطه ناب	۲/۴	۴۱/۵	۴۶/۳	۹/۸	۰	۳/۳	۳	۰/۶۳	

بررسی رابطه متغیر وابسته با متغیرهای زمینه‌ای

در جدول ۴ میانگین متغیر رابطه ناب بر حسب متغیرهای زمینه‌ای آمده است. که در ادامه به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

جدول ۴- میانگین متغیر رابطه ناب بر حسب متغیرهای زمینه‌ای

رابطه ناب	جنسیت	سن	سوا									
			د	د	د	د	د	د	د	د		
۳/۵	زن	۳	۳/۷	۳/۵	۳/۴	۳/۴	۳/۴	۲	۳/۱	۳/۴	۳/۵	فوق لیسانس
												لیسانس
												فوق دیپلم
												دیپلم
												دیپلمستان
												۳۳-۳۵ ساله
												۲۹-۳۲ ساله
												۲۵-۲۸ ساله
												۱۸-۲۴ ساله

رابطه ناب	درآمد	پایگاه اقتصادی و اجتماعی							
		۶۰۰۰-۷۰۰۰	۷۰۰۰-۸۰۰۰	۸۰۰۰-۹۰۰۰	۹۰۰۰-۱۰۰۰۰	بیش از ۱۲۰۰۰	نالا	متوسط	پایین
۳/۳	۳/۳	۳/۴	۳/۳	۳	۳/۵	۳/۳	۳/۲		

با استفاده از روش مقایسه میانگین‌ها و آزمون تی میزان متغیر رابطه ناب در بین دو جنس بررسی شده است. با توجه به سطح معناداری ۰/۰۱ با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که تفاوت میانگین مشاهده شده بین دو جنس معنادار است.

جدول ۵- تفاوت میانگین رابطه ناب با جنسیت

رابطه ناب بر حسب جنس	میانگین	انحراف استاندارد	تفاوت میانگین	T	Sig
----------------------	---------	------------------	---------------	---	-----

سال هشتم	مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد				۴۴
			۰/۵۶	۳/۴۶	زن
۰/۰۰۰	۴/۹۴	۰/۳۹۵	۰/۶۵	۳/۰۷	مرد

همچنین رابطه متغیر رابطه ناب با سن، سواد، درآمد و پایگاه اقتصادی- اجتماعی پاسخگویان با همبستگی پیرسون بررسی شده است، که نتایج آن در جدول شماره ۶ بیان شده است. بر اساس این نتایج بین رابطه ناب و متغیر سن رابطه معناداری وجود ندارد. در نتیجه فرضیه وجود رابطه بین متغیر سن و رابطه ناب در این تحقیق تایید نمی‌شود. با توجه به سطح معناداری ۰/۰۱ با ۹۹ درصد اطمینان بین رابطه ناب و متغیر سواد رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد و می‌توان گفت فرضیه وجود رابطه بین متغیر «رابطه ناب» و تحصیلات تایید می‌گردد. همچنین رابطه معناداری بین دو متغیر درآمد و رابطه ناب وجود ندارد درحالی‌که بین رابطه ناب و متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. بدین معنا که با بالا رفتن طبقه پایگاه اقتصادی- اجتماعی میزان رابطه ناب افزایش می‌یابد. با توجه به ضریب همبستگی (۰/۱۶) میزان همبستگی در حد ضعیفی است. با توجه به این نتیجه می‌توان گفت فرضیه عدم وجود رابطه بین متغیر «رابطه ناب» و پایگاه اقتصادی- اجتماعی در حد ضعیفی تایید می‌گردد.

جدول ۶- آزمون همبستگی پیرسون بین رابطه ناب و متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	سن	تحصیلات	درآمد	پایگاه اقتصادی - اجتماعی
رابطه ناب	-۰/۱۱۴	۰/۲۷۱	-۰/۰۹۵	۰/۱۶
معنی داری	۰/۱۵۲	۰/۰۰۰	۰/۱۹۶	۰/۰۲۶

روابط همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته

رابطه متغیر رابطه ناب با اعتماد بنیادین، اعتماد متقابل بین شخصی، اعتماد انتزاعی، احساس امنیت و مصرف رسانه‌ای پاسخگویان با همبستگی پیرسون بررسی شده است و در جدول ۷ نمایش داده شده است. بر اساس نتایج این جدول رابطه معناداری بین دو متغیر اعتماد بنیادین و رابطه ناب علیرغم انتظار قبلی (بر پایه چارچوب نظری تحقیق) وجود ندارد.

با توجه به این نتیجه می‌توان گفت فرضیه وجود رابطه بین این دو متغیر رد می‌گردد. بر اساس نتایج این جدول رابطه معناداری بین متغیر «رابطه ناب» و اعتماد متقابل بین شخصی وجود ندارد. با توجه به این نتیجه می‌توان گفت فرضیه وجود رابطه بین این دو متغیر تایید نمی‌گردد. با بررسی رابطه بین متغیر رابطه ناب با گویه‌های اعتماد متقابل بین شخصی مشخص شده است، متغیر رابطه ناب رابطه معکوس و معناداری با گویه همسایه‌های در حد متوسطی وجود دارد و همچنین رابطه مستقیم و معناداری با گویه همسر در حد ضعیفی نمایان شده است. همچنین گویه‌های دوستان و خویشان رابطه معناداری ندارد. بین متغیر رابطه ناب با اعتماد انتزاعی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد بدین معنا که با بالا رفتن اعتماد انتزاعی میزان رابطه ناب کاهش می‌یابد. با توجه به این نتیجه می‌توان گفت فرضیه وجود رابطه مستقیم بین متغیر «رابطه ناب» و اعتماد انتزاعی رد می‌گردد. بنا بر جدول ۹ و بررسی رابطه بین متغیر رابطه ناب و اجزای اعتماد انتزاعی مشخص شده است رابطه ناب با گویه‌های دادگاه‌ها و پلیس راهنمایی همبستگی معکوس و معنادار و با مطبوعات رابطه مستقیم و معناداری است. و با بقیه‌ی گویه‌ها فاقد رابطه معنادار است. بنابراین فرضیه وجود رابطه مستقیم بین متغیر رابطه ناب و اعتماد انتزاعی در گویه مطبوعات تایید و در گویه‌های پلیس و دادگاه‌ها رد می‌شود. همچنین بین رابطه ناب و متغیر احساس امنیت رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. بدین معنا که با بالا رفتن احساس امنیت میزان رابطه ناب کاهش می‌یابد. با توجه به این نتیجه می‌توان گفت فرضیه وجود رابطه مستقیم بین متغیر "رابطه ناب" و اعتماد احساس امنیت رد می‌گردد. در ضمن بین رابطه ناب و متغیر مصرف رسانه‌ای رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. بدین معنا که با بالا رفتن میزان مصرف رسانه‌ای میزان رابطه ناب افزایش می‌یابد. با توجه به این نتیجه می‌توان گفت فرضیه وجود رابطه مستقیم بین متغیر "رابطه ناب" و مصرف رسانه‌ای تایید می‌گردد.

جدول ۷- آزمون همبستگی پیرسون بین رابطه ناب و متغیرهای مستقل

متغیر	اعتماد بنیادین	اعتماد انتزاعی	اعتماد متقابل بین شخصی	احساس امنیت	مصرف رسانه‌ای
رابطه ناب	۰/۱۱۷	-۰/۲۱۴	-۰/۰۹۵	-۰/۳۶۷	۰/۲۱۵
معنی داری	۰/۱۱۴	۰/۰۱۷	۰/۲۳۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

جدول ۸- آزمون همبستگی پیرسون بین رابطه ناب و اجزای اعتماد متقابل بین شخصی

دوستان	خویشان	همکاران	همسایه‌ها	همسر	
۰/۰۳۶	-۰/۰۵۴	-۰/۱۰۹	-۰/۳۰۳	۰/۱۴۲	رابطه ناب
۰/۵۰۸	۰/۳۱۹	۰/۰۴۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	معنی داری

جدول ۹- آزمون همبستگی پیرسون بین رابطه ناب و اجزای اعتماد انتزاعی

بانکها	بیمارستان	دانشگاه	خدمات روانشناسی	مطبوعات	رادیو و تلویزیون	پلیس راهنمایی	دادگاهها	
۰/۱۱۳	-۰/۱۰۵	-۰/۰۳۷	-۰/۰۶۲	۰/۳۲۰	-۰/۰۵۶	-۰/۲۹۹	-۰/۴۷۵	رابطه ناب
-	۰/۲۷۰	۰/۴۹۵	۰/۲۵۰	۰/۰۰۰	۰/۲۹۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	معنی داری

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این تحقیق در پی پاسخ به این پرسش است که آیا با توجه به تغییرات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی رخ داده در جامعه، می‌توان روابط شخصی را بر اساس مفهوم «رابطه ناب» گیدنز ردیابی، شناسایی و تحلیل کرد؟ با توجه به نتایج به دست آمده از مؤلفه‌های سازنده متغیر «رابطه ناب»، و نتایج متغیرهای دیگر، می‌توان گفت:

در حالی که درصد افرادی که با انتخاب شخصی همسر خود را انتخاب کرده‌اند بیش از دو برابر افراد دیگر است، اما ازدواج، کماکان امری خانوادگی است نه شخصی. بنابراین می‌توان گفت امر همسرگزینی به صورت تلفیقی، انتخاب افراد (این انتخابی بودن با متغیر سن و تحصیلات رابطه دارد) و توافق با خانواده پیش می‌رود. نظر به اینکه، از نگاه گیدنز، «تنها هنگامی که پیوندهای دوستی و صمیمیت به طرزی کم و بیش آزادانه انتخاب شده باشند ما می‌توانیم از «رابطه»، به مفهومی که امروزه در زبان مردم عادی جا افتاده است، یاد کنیم»، می‌توان با توجه به انتخابی تر بودن روابط پاسخ‌گویان، گرایش به سمت شکل‌گیری رابطه با مفهوم مذکور را مشاهده کرد.

از نظر پاسخگویان در کنار دوست داشتن و رضایت عاطفی، عوامل بیرونی نیز دارای اهمیت هستند و ملاک ازدواج و دوام زندگی، موضوعی چندبعدی است که به چند عامل وابسته است. در حالی که همان‌طور که در بخش نظری بیان شد از نگاه گیدنز رابطه ناب وابسته به عوامل بیرونی نیست و چنان می‌نماید که در فضا شناور است.

نظر به این که حدود ۹۱ درصد از پاسخگویان میزان صمیمیت با همسرشان را خیلی زیاد و زیاد بیان کرده‌اند، می‌توان گفت صمیمیت برای اکثر آن‌ها دارای اهمیت بالایی است (حتی اگر میزان صمیمیت بیان‌شده توسط پاسخگویان، گزارش واقعی‌ای از صمیمیت روابطشان نباشد، نشان‌دهنده توقع آن‌ها از صمیمیت در رابطه خواهد بود). گیدنز صمیمیت و خودمانی شدن را در ذات اشکال نوین دوستی‌ها نهفته می‌داند، از این رو روابط پاسخ‌گویان به اشکال جدید دوستی‌ها شبیه‌تر می‌باشد.

همچنین با توجه به درصدهای نگرش جنسیتی و کارهای خانگی پاسخگویان، می‌توان گفت که الگوهای رفتاری و انتظارات جنسیتی که طبق آن زنان وظایفی و مردان وظایفی دارند، علی‌رغم نگرش‌های غیرجنسیتی آن‌ها ثابت باقی مانده است و از این رو میانگین نمره کارهای خانگی پاسخگویان کمتر از میانگین نمره نگرش‌های جنسیتی است، که فاصله‌ای را بین نگرش و رفتار نشان می‌دهد. بنابراین با توجه به اینکه برابری در محوریت مفهوم رابطه ناب گیدنز قرار دارد، می‌توان گفت با اینکه نگرش پاسخ‌گویان کم و بیش برابر است اما رفتار آن‌ها کماکان از الگوهای جنسیتی (نا برابر) تبعیت می‌کند و از این وجهه روابط پاسخگویان با رابطه ناب فاصله‌ای دارد. از این رو با توجه به این که میزان صمیمت پاسخگویان بسیار بالا ولی درصد انجام برابر کارهای خانه بسیار پایین و درصد نگرش‌های غیرجنسیتی و عوامل غیربیرونی متوسط و به بالا است، روابط شخصی حدود نیمی از پاسخگویان را به عشق رمانتیک (که در آن عشق و صمیمیت وجود دارد اما روابط در قالب تقسیم کار جنسیتی مرد نان‌آور و زن خانه‌دار بر پایه نوعی نابرابری شکل گرفته است) و ترکیبی بین عشق رمانتیک و رابطه ناب شبیه می‌کند.

با توجه به اینکه، در بحث مدرنیته و تغییر شکل صمیمیت، گیدنز بیشتر نوعی روند، جهت و حرکت به سوی رابطه ناب را بیان می‌کند و معتقد نیست که تمام روابط در دنیای مدرن به شکل رابطه ناب در می‌آید. «در حقیقت، ازدواج‌ها، روابط دوستانه و صمیمیت‌های پایدار امروزه بیش از پیش به صورت نوعی رابطه ناب در می‌آیند» (گیدنز، ۱۳۸۵، ۱۲۹). بنابراین نظر به این که حدود ۲/۴ درصد از پاسخگویان به میزان خیلی زیاد و ۴۱/۵ درصد به میزان زیاد از این متغیر را دریافت کرده‌اند، می‌توان نوعی حرکت به سمت ترویج بیشتر رابطه ناب را مشاهده نمود.

با توجه به این که متغیر رابطه ناب با متغیر جنسیت رابطه دارد، و نظر به این که متغیر رابطه ناب به صورت ترکیبی ساخته شده است، این پرسش مطرح است که کدام بعد در این تفاوت موثر بوده است؟ برای پاسخ به این پرسش میانگین میزان هر یک از مؤلفه‌های سازنده متغیر رابطه ناب در زنان و مردان پاسخگو مقایسه شده است. با توجه به نتایج حاصله، عامل موثر در بالاتر بودن میانگین میزان متغیر رابطه ناب زنان از مردان، متغیر نگرش‌های جنسیتی است. با بررسی پرسش‌های سازنده شاخص نگرش‌های جنسیتی مشخص شده است که زنان در تمامی آن‌ها از مردان میانگین نمره بالاتری دارند. با وارد کردن متغیر تحصیلات مشخص شده است میزان تحصیلات در افزایش میزان شاخص نگرش‌های جنسیتی زنان موثر است. می‌توان روندهای اجتماعی مختلف موثر در حضور زنان در جامعه، افزایش تحصیلات و حضور زنان در دانشگاه‌ها، و تغییر برداشت‌ها و انتظار از موقعیت و منزلت زنان در جامعه (مثلاً در این تحقیق بیش از ۵۷ درصد پاسخگویان با این نظر که خوشبختی زنان در گروه داشتن فرزند است کاملاً مخالف و یا مخالف بوده‌اند) همراه با افزایش اطلاعات و ارتباطات را از عوامل بازنگرانه و بازاندیشانه زنان و موثر بر تغییر نگرش‌های جنسیتی آن‌ها نسبت به مردان دانست. از میان پرسش‌های مربوط به نگرش‌های جنسیتی، زنان در پرسش «بعضی‌ها معتقدند، «زنان هم باید مثل مردان در تامین مخارج خانواده سهم باشند.» شما با این نظر چقدر موافق یا مخالف هستید؟» دارای کمترین نمره نسبت به پرسش‌های دیگر این شاخص هستند. در این مورد لازم به ذکر این نکته است که این پرسش بر خلاف پرسش‌های دیگر این شاخص که

دربرگیرنده حقی برای زنان هست، وظیفه‌ای را برای زنان در نظر می‌گیرد، این وظیفه با انتظارات معمول و متداول (سنتی) از زنان متفاوت است. شاید نکته مذکور بیانگر این موضوع باشد که زنان علی‌رغم قبول داشتن و تلاش برای به‌دست آوردن حقوق جدید (مثل حق طلاق، پرسش دیگر این شاخص که درصد بیشتری از زنان نسبت به این پرسش خواهان آن هستند) در شرایط اجتماعی جدید، به‌دلیل بعضی هنجارها و انتظارات جنسیتی و یا شاید شرایط نامطمئن اقتصادی در پذیرفتن وظایف جدید مرد هستند. این نکته از این جهت مهم است که هسته محوری مفهوم رابطه ناب برابری است، «بدون تعهد حقی هم وجود ندارد- این اصل مقدماتی دموکراسی سیاسی در حیطه روابط ناب نیز مصداق دارد» (کسل، ۱۳۸۳: ۴۳۴)؛ «صمیمیت را نه به منزله توصیف کنش متقابل، بلکه باید به منزله خوشه‌ای از امتیازها و مسئولیت‌ها درک کرد که دستور کار فعالیت عملی را تعریف می‌کنند» (همان، ۴۳۴).

تحصیلات متغیر زمینه‌ای دیگری است که دارای رابطه معناداری با متغیر رابطه ناب است. افزایش سواد و تحصیلات موجب افزایش میانگین میزان بعد نگرش‌های غیرجنسیتی در افراد، کارهای خانه، افزایش میزان صمیمیت، تا حدی کاهش عوامل بیرونی و همچنین انتخابی‌تر شدن همسرگزینی می‌شود. در بعد عوامل بیرونی در حالی که نقش اعتبار اقتصادی به عنوان یک ملاک ازدواج پایین بوده است، نقش اعتبار اجتماعی در افراد تحصیل کرده بالاتر بوده است. افزایش تحصیلات از طریق حضور در محیط‌های تحصیلی و افزایش ارتباطات و دوستی‌های خارج از روابط خویشاوندی و روابط متأثر از مکان‌های محلی و افزایش انتخاب‌های فردی، ازدواج‌های انتخابی‌تر را شکل داده است. همچنین تحصیلات و دانش آموخته‌شده امکان بازنگری و بازاندیشی بیشتری را به زندگی افراد تحصیل کرده می‌دهد.

همان‌طور که بیان شد، میزان اعتماد انتزاعی از سطح پایینی برخوردار است. بر خلاف انتظار برحسب چارچوب نظری، رابطه ناب با اعتماد انتزاعی در این تحقیق رابطه مستقیم ندارد، بلکه متغیر مذکور در این تحقیق با اعتماد انتزاعی رابطه معکوس معنادار دارد. البته لازم به ذکر است این متغیر با پلیس راهنمایی و رانندگی و دادگاه‌ها دارای رابطه معکوس معنادار و با مطبوعات رابطه مستقیم معنادار دارد و ارتباطش با سایر گویه‌ها معنادار نیست. در بحث

گیدنز مکانیسم‌های ازجاکننده و نظام‌های تخصصی از مبانی اعتماد در مدرنیته و سازنده احساس امنیت محسوب می‌شوند، اما بدلایلی که خارج از بررسی این تحقیق است، بنا بر نتایج این بررسی، ظاهراً ابعاد نهادی مدرنیته و مکانیسم‌های انتزاعی در جامعه ما نه آن‌چنان سازنده اعتماد هستند و نه ایجادکننده احساس امنیت. میزان احساس امنیت پاسخگویان نیز از سطح بسیار پایینی برخوردار است و بر خلاف انتظار، احساس امنیت با متغیر رابطه ناب رابطه مستقیم ندارد. این در حالی است که گیدنز تاکید می‌کند «اعتماد به نظام‌های انتزاعی شرط فاصله‌گیری زمانی-مکانی و عملکرد بهینه حوزه‌های گسترده امنیت در زندگی روزانه است که نهادهای مدرن در مقایسه با جهان سنتی ارایه می‌کنند.» (البته شاید به دلیل شرایط سیاسی و اجتماعی ناشی از انتخابات سال (۱۳۸۸) که تحقیق در آن انجام شده است، میزان اعتماد و امنیت در این سطح پایین و بدون ارتباط با متغیر این تحقیق است).

با بررسی تفاوت میانگین متغیر اعتماد انتزاعی بر حسب متغیر نگرش‌های جنسیتی به‌طور کاملاً معناداری میزان اعتماد انتزاعی پاسخگویان با افزایش میزان نگرش‌های جنسیتی کاهش می‌یابد، بدین معنا که هر چه افراد دارای نگرش غیرجنسیتی‌تر یا مدرن‌تری بوده‌اند دارای اعتماد انتزاعی پایین‌تری هستند. رابطه مذکور با گویه‌های دادگاه‌ها، پلیس راهنمایی و رانندگی، و رادیو و تلویزیون کاملاً معنادار است، و در اینجا فاصله‌ای بین نگرش‌های مدرن از یک طرف و نظام‌های انتزاعی حمایتگر و سازنده اعتماد در طرف دیگر دیده می‌شود.

نظر به این‌که ابعاد نهادی و نظام‌های تخصصی در جامعه ایجادکننده حس اعتماد، امنیت و حمایتگر افراد نیستند، و احساس امنیت پایینی در افراد وجود دارد و از آنجاکه رابطه ناب از دید گیدنز علی‌رغم سویه مثبت و برابانه آن موقعیتی دوله و شکننده است، ضعف اعتماد به نظام‌های تخصصی قضایی و انتظامی و همچنین اقتصادی، خود از عوامل بازدارنده و پیشگیرانه به سوی این موقعیت است.

علی‌رغم این‌که افراد جوان‌تر، تحصیل‌کرده‌تر و زنان دارای میزان بیشتری از متغیر رابطه ناب بوده‌اند و به نظر می‌رسد این میزان بیشتر به واسطه عوامل بازنگرانه و بازاندیشانه جریان زندگی‌شان باشد، متغیر رابطه ناب با مهمترین عامل در بازاندیشی زندگی شخصی از نگاه گیدنز، یعنی خدمات روانشناسی (یکی از گویه‌های متغیر اعتماد انتزاعی در این تحقیق) رابطه

ندارد. نظر به این که هم مطبوعات و هم مصرف رسانه‌ای دارای رابطه مستقیم و معناداری با متغیر رابطه ناب بوده‌اند، به نظر می‌رسد نقش بازاندیشانه در نگرش‌ها و رفتارهای افراد را بیشتر ارتباطات و اطلاعات به واسطه مطبوعات و مصرف رسانه‌ای بر عهده دارد تا عامل ریشه‌ای‌تر دانش بازاندیشانه، مثل خدمات روانشناسی.

همان‌طور که بیان شد ازدواج‌ها بیشتر به صورت توافقی (فرد و خانواده) شکل می‌گیرند. این یافته در کنار واقعیت سطح پایین اعتماد به نظام‌های تخصصی در بین پاسخگویان از اهمیتی زیادی برخوردار و نشانگر این است که احتمالاً نهادهای سنتی (در اینجا خانواده) کماکان نقش‌های بیشتری را بر عهده دارند، و حل مشکلات علی‌رغم انتظار از بحث نظری، به جای نظام‌های تخصصی توسط خانواده حل می‌شود.

متغیر اعتماد متقابل بین شخصی با پنج گویه از متغیرهای مستقل این تحقیق است. میزان پایین اعتماد به همسایه نشان‌دهنده تغییر مبنای اعتماد از اجتماع محلی است. می‌توان در تهران زاویه‌ای از مدرنیته را با کاهش اعتماد در اجتماع محلی مشاهده نمود. همچنین اعتماد به دوستان و آشنایان به مقدار بسیار اندکی کمتر از اعتماد به خویشاوندان و اقوام است. در نتیجه می‌توان گفت اعتماد همانند جوامع سنتی فقط مبنای خویشاوندی ندارد و از وابستگی به مکان و روابط خویشاوندی به سمت روابط دوستانه حرکت نموده است. در این تحقیق که اعتماد با دو بعد صمیمیت و تعهد ساخته شده است، میانگین میزان بعد صمیمیت تفاوت بسیار کمی با میانگین میزان بعد تعهد دارد. در نتیجه می‌توان گفت صمیمیت جایگاه خود را در روابط بین فردی پیدا کرده است و احتمالاً دیگر اعتماد مبنای از پیش تنظیم شده در قالب روابط اجتماع محلی و روابط خانوادگی ندارد. این متغیر با متغیر رابطه ناب دارای رابطه معناداری نبوده است، در حالی که با اعتماد به همسایه‌ها رابطه معکوس معنادار ملموسی دارد که در قالب بحث مذکور دارای توجیه است. با اعتماد به همسر نیز رابطه معناداری دارد. اما عدم رابطه معنادار با اعتماد به آشنایان احتمالاً دلایل دیگری داشته باشد. در این تحقیق علی‌رغم انتظار اعتماد بنیادین با رابطه ناب دارای هیچ نوع رابطه معناداری نبود، شاید به دلیل این که همه پاسخگویان شاغل بوده‌اند.

هر چند که به نظر می‌رسد در جامعه ما با گسترش نهادها و سازمان‌ها و نظام‌های تخصصی، و افزایش ارتباطات و اطلاعات موجبات ازجاکنندگی زمان و مکان فراهم شده و اجتماع محلی و همچنین روابط خویشاوندی تا حدی ضعیف شده است و بازاندیشی به واسطه تحصیلات و موج اطلاعات و ارتباطات و مواجهه بیشتر نسل جوان با دنیای مدرن، در شکل‌دهی به شیوه‌ها و نگرش‌های زندگی افراد موثرتر است و به این صورت سنت و تنظیم روابط بر مبنای آن ضعیف شده است، با این همه نظام‌های تخصصی و انتزاعی به عنوان سامان‌دهندگان اعتماد، امنیت و روابط اجتماعی، هنوز دارای جایگاه مناسبی نیستند. کما این‌که سن، تحصیلات و مصرف رسانه‌ای بیشترین تاثیر مثبت را در میزان رابطه ناب و اعتماد انتزاعی و احساس امنیت نیز بیشترین تاثیر منفی را داشته‌اند.

فهرست منابع

- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، (۱۳۸۲)، موج دوم، ویرایش اول، یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی.
- پیرسون، کریستوفر (۱۳۸۴)، معنای مدرنیت (گفتگوی کریستوفر پیرسون با آنتونی گیدنز)، ترجمه علی اصغر سعیدی، چاپ دوم، تهران: ناشر کویر.
- رفعت جاه، مریم (۱۳۸۳)، زنان و بازتعریف هویت اجتماعی، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.
- سیدمن، استیون (۱۳۸۶)، کشاکش آرا در جامعه‌شناسی، ترجمه هادی جلیلی، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- کسل، فیلیپ (۱۳۸۳)، چکیده آثار آنتونی گیدنز، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس.
- کمالی، افسانه (۱۳۸۲) مطالعه تطبیقی اعتماد اجتماعی در دو حوزه فرهنگ و سیاست با تاکید بر سازمان‌های تخصصی، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵)، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲)، فراسوی چپ و راست، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی.

Giddens, Anthony (1992) *the Transformation of Intimacy: Sexuality, Love, and Eroticism in Modern Societies*. Polity Press.

Gross, Neil and Simmons, Solon (2002) "Intimacy as a Double-Edged Phenomenon? An Empirical Test of Giddens", *social forces* 81(2):531-555.